

موانع حقوقی و فقهی پذیرش عملی نهاد گروه اقتصادی با منافع مشترک در نظام حقوقی و اقتصادی ایران

داود حجازی^۱، جواد نیک نژاد^۲، بهرام تقی پور^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۴/۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷)

چکیده

قانونگذار ایران به تاسی از نظام‌های پیشرو حقوقی، با هدف تسهیل و گسترش مشارکت‌های اقتصادی و تجاری در قالب یک ماده قانونی تشکیل نهادی نوین تحت عنوان گروه اقتصادی با منافع مشترک را مبتنی بر قرارداد اعضاء تجویز نموده است. نص مصوب هرچند مبین انعطاف‌پذیری گروه از لحاظ شکلی و تشکیلاتی و آزادی اعضا در تنظیم قرارداد گروه است، مع الوصف حجم موجز آن و در عین حال تأکید بر قالب شرکت مدنی گروه، مبین فقدان شخصیت حقوقی است و در نتیجه گروه قابلیت برخورداری از اقامتگاه، دارایی، تابعیت و دیگر مزایای شخصیت را ندارد. ضمن اینکه احکام قانون مدنی، عمدتاً ناظر بر اشاعه و نحوه اداره مال مشترک بوده و مقرراتی در خصوص تکوین، اداره و انحلال شرکت مدنی ندارد. مضافاً، مصادیق متعدد سکوت و تزامم مقرر مصوب، با مبانی مسلم حقوقی موجب ناکارآمدی آن و تبعاً عدم اقبال تجار در استفاده از این قالب نوپای حقوقی شده است.

کلید واژه‌ها: تضامن، شرکت مدنی، گروه اقتصادی، منع اضرار به غیر، منع انحصار.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر؛

Email: hejaazi.davod@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب (نویسنده مسئول)؛

Email: j.n406@yahoo.com

Email: taghipour.bahram@khu.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی؛

مقدمه

امروزه نظم اقتصادی دنیا به گونه‌ای است که اجباراً تمامی کشورها در آن مشارکت دارند. در این راستا رفع خلأها و بروز سازی قوانین تجاری، می‌تواند یکی از ابزارهای مهم رونق اقتصادی کشورها شود. علم حقوق نیز وظیفه دارد در راستای تسهیل و تسریع در همکاری بنگاه‌های اقتصادی، چاره‌جویی متناسب با اوضاع و احوال اقتصادی را در دسترس فعالان عرصه تجارت قرار دهد. دولت‌ها به منظور جبران کاستی‌های بازار به‌منظور تدارک مقررات متحدالشکل وارد عرصه کشف و ارائه آن دسته از گونه‌های قراردادی می‌شوند که افراد را در برقراری روابط معاملاتی به بهترین وجهی کمک و با دفع دغدغه و شبهه افراد نسبت به وضعیت نامعلوم آینده زمینه تشویق آنان را به انجام برخی فعالیت‌های مولد ترغیب نماید و از این رهگذر زمینه بکارگیری بهینه منابع اقتصادی هموار شود. بیست و سوم سپتامبر ۱۹۶۷ شاهد پیدایش و ظهور نهادی نوین با نام گروه اقتصادی با منافع مشترک در کشور فرانسه بود. نهادی که با هدف پاسخگویی به نیازهای فعالان اقتصادی در سطح داخلی و فرامرزی پدید آمد و قانونگذار این کشور برای این نهاد شخصیت حقوقی قائل شد.

تبلور آثار شگرف این قانون در کشور فرانسه، موجب شد قانونگذاران تعدادی از کشورها با اقتباس مبادرت به پیش‌بینی نهاد گروه در مقررات داخلی خود کنند. نهایتاً قانون‌نویسان ایرانی نیز پس از چند دهه به فکر پذیرش چنین نهادی در مقررات کشور برآمده و با این امید که ظرفیت‌های بین‌المللی گروه به یاری اقتصاد ملی بشتابد، قانون مختص گروه را تصویب کردند. مع‌الوصف بدلیل نامانوس بودن این نهاد در مقررات و ادبیات حقوقی ایران و همچنین نارسایی‌ها و ایرادات متعدد مترتب بر آن، این رهیافت به نحو موثر و مطلوبی به عمل نیامد.

این در حالی است که سابق بر آن هیئت دولت در سال ۱۳۸۴ "لایحه اصلاح قانون تجارت" را تصویب و به مجلس ارسال کرده بود که باب دهم آن مشتمل بر ۲۰ ماده به نهاد "گروه اقتصادی با منافع مشترک"^۱ اختصاص یافته بود؛ لکن متن نهایی مطروحه در مجلس هیچ مقررره‌ای در رابطه با گروه اقتصادی نداشت. از این‌رو لاجرم در سال ۱۳۸۹ در قانون برنامه پنجم توسعه، ماده ۱۰۷ این قانون به موضوع گروه اقتصادی

۱. در متن مقاله از این پس به منظور رعایت اختصار و به قرینه تصریح قبلی و سبق ارجاع از عبارت "گروه" و "ماده ۲۴" استفاده می‌شود.

اختصاص یافت. معهداً از آنجایی که قوانین برنامه پنج ساله اقتصادی قوانینی موقتی هستند، با انقضای مدت اعتبار این قانون، مقنن در سال ۱۳۹۵ با تغییراتی بسیار جزئی، ماده ۲۴ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه را که قانونی دائمی است جایگزین ماده ۱۰۷ کرد. ماده ۲۴ چنین مقرر می‌دارد "تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک با مشارکت دو یا چند شخص حقیقی و حقوقی به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجاری برای یک دوره محدود و بر اساس قرارداد کتبی پس از ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها در قالب شرکت مدنی و ضوابط و شرایط مربوط به آن و با رعایت موازین اسلامی و اصل منع اضرار به غیر و منع انحصار مجاز است".

از ملاحظه و بررسی این ماده سوالات متعددی در ذهن متبادر می‌شود؛ از جمله اینکه اساساً هدف مقنن از تصویب این ماده به کیفیت موجود چه بوده و چه مشکلاتی از پذیرش این نهاد نوین در حقوق ایران ایجاد خواهد شد؟ مضافاً با توجه به الزام قانونگذار بر تشکیل گروه در قالب شرکت مدنی، نص مصوب تا چه حد قابل تأیید و در چه مواردی قابل رد و نقد است؟ و در صورت عدم رعایت شرایط مقرر در این ماده وضعیت حقوقی گروه چگونه خواهد بود؟

آنچه مسلم است اگر تسهیل مشارکت های اقتصادی یک اقدام مفید اقتصادی باشد، وجود ابهام و خلاء در سرنوشت حقوقی آن می‌تواند جامعه را از آثار مثبت چنین عملی محروم نماید. در حقیقت وضع این قواعد با اعلام موضع صریح قانونگذار به نگرانی‌ها و دغدغه‌های مختص سرمایه‌گذاری و مبادلات بازار خاتمه می‌دهد؛ زیرا تحیر و بلاتکلیفی ناشی از عدم شفافیت قانونی، بدون تردید در بستر سرمایه‌گذاری نوعی هزینه و کاستی محسوب و با توجه به اینکه قواعد تجویزی در جهت مرتفع کردن هزینه‌های ناشی از این عدم شفافیت است، مصادیق کارایی اقتصادی این دسته از قواعد بسیار شگرف خواهد بود. در این تحقیق با توجه به موضوع آن تلاش شده است اهم موانع و مشکلاتی که در رهگذر اجرای نص مصوب، شرکای گروه و نیز اشخاص ثالث طرف قرارداد، خاصه در رابطه با ماهیت حقوقی گروه با آن مواجه خواهند شد، به صورت تحلیلی بررسی و تبیین شود تا از سوی مراجع تقنینی مورد چاره جویی و رفع مشکلات و ایرادات واقع شود.

۱- عقد شرکت، اشاعه و شرکت مدنی در فقه امامیه و قانون مدنی و تبعات آن بر گروه اقتصادی

قانونگذار از یک سو در ماده ۲۴ تشکیل گروه اقتصادی را لزوماً در قالب شرکت مدنی و

ضوابط مربوط به آن تجویز لکن هم‌زمان در دیگر شقوق ماده و تبصره‌های آن مواردی را مطرح که مناسبتی با ماهیت شرکت مدنی ندارد. "از طرفی فقهای امامیه به صورت سنتی برای شرکت مدنی شخصیت قائل نیستند." (شهیدی، ۹۳؛ رهایی، حسینی مقدم، فلاح خاریکی، ۴۱۲؛ حقانی، ۲۲؛ ستوده تهرانی، ۱۵۹/۱ و ۱۶۸؛ خزاعی، ۷۲) همین رویه فقهاء در قانون مدنی هم مورد تبعیت واقع شده است؛ زیرا مقنن در ماده ۵۷۱ این قانون مقرر می‌دارد شرکت عبارتست "از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه". از این تعریف استفاده می‌شود که شرکت در ماده ۵۷۱ به معنای "اشاعه" است که در آن هدف مشترکی دنبال می‌شود و هیچ یک از شرکاء در هیچ بخشی از مال مالکیت مستقل ندارند، بلکه حق هر یک منتشر در مجموعه است. محقق حلی در تعریف شرکت بیان می‌دارد "الشركة الاجتماع حقوق الملاك في الشيء الواحد عن سبيل الشیاع" (نجم‌الدین محمدعلی، ۱ و ۳۷۴/۲) شهید اول در "لمعه دمشقیه" سبب عقد شرکت را چنین بیان داشته است "و سببها قد یكون ارثاً وعقداً و حیازه دفعهً و مزجاً لا یتمیز المشترک" "اسباب شرکت شامل ارث، عقد، جمع آوری مباحات به یک‌باره، آمیختن مال‌ها باهم به گونه‌ای که از یکدیگر متمایز نباشند." (مکی‌العاملی، ۳۰۴/۱)

حال با توجه به الزام قانونی مقرر در ماده ۲۴ این پرسش مطرح می‌شود که آیا شرکت مدنی به طور مستقل توان ایجاد اشاعه را در گروه اقتصادی دارد، یا لزوماً شرکت عقدی بایستی مسبوق به اختلاط و امتزاج اموال شرکاء باشد؟ در پاسخ آنچه در ماده ۵۷۱ بیان شده اثر شرکت مدنی است نه تعریف آن و فی الواقع "حقوق ایران از نبود مفهوم شرکت در معنای حقوق مدرن رنج می‌برد؛ چرا که بجای شرکت، اشاعه را تعریف کرده است." (سیدی آرانی، ۲۵۵ و ۲۵۶) این تعریف چنان مجمل است که شناسایی عقد شرکت به عنوان عقدی مستقل محل تردید است. در واقع مقنن با الهام از فقه امامیه تعریفی مستقل از عقد شرکت ارائه نداده، بلکه اثر اصلی شرکت را اشاعه در مالکیت شرکاء دانسته است. بعضی از فقها معتقدند "ثمره عقد شرکت، اذن در تصرف هر کدام از مالکین است بر شیء واحد به صورت مشاع" (طباطبایی یزدی، ۲۷ و ۳۶) در قانون مدنی شرکت عقدی است اذنی که در زمره عقود جایز قرار می‌گیرد.

معدودی از فقهای امامیه همچون شیخ یوسف بحرانی در حدائق، مقدس اردبیلی در شرح ارشاد و کاشف الغطاء در تحریرالمجله، با انکار وجود عقد شرکت به عنوان عقدی مستقل معتقدند صرف انعقاد عقد، موجب اشاعه و ممزوج شدن اموال شرکاء نمی‌شود،

بلکه شرکت با مزج و اختلاط اموال مالکین حاصل می‌شود؛ خواه سبب مزج اختیاری باشد یا قهری. از متأخرین آیت الله بروجردی معتقد است "مقتضای تحقیق در کلام فقهای شیعه این است که عقدی به نام شرکت در کنار سایر عقود وجود ندارد، بلکه تنها سبب برای حصول شرکت امتزاج است، پس لازم است هر یک از دو شریک دیگری را نسبت به جمیع تصرفات تجاری وکیل کند و لفظ "تشارکنا" دخالتی در حصول شراکت ندارد". (موسوی اردبیلی، ۳۳) در مقابل برخی دیگر از فقها به اصالت عقد شرکت تصریح نموده اند؛ مانند محقق کرکی در جامع المقاصد، شیخ محمدحسن نجفی در جواهر الکلام، محمدکاظم طباطبایی در عروه الوثقی و آیت الله خویی در مبانی العروه. لکن در نظر اکثر فقها شرکت عقدی به صرف ایجاب و قبول به وجود نمی‌آید، بلکه شرط تحقق آن این است که مال دو شریک قبل یا بعد از عقد ممزوج شود، حال به عنوان علت تامه یا جزء اسباب تشکیل دهنده عقد. هرچند برخی از جمله سید محسن حکیم معتقد است "اشاعه و اشتراک در اموال با عقد شرکت حاصل می‌شود و دیگر نیازی به عامل مزج نیست." (طباطبایی حکیم، ۱۲/۲۶) پس مبتنی بر فقه امامیه و قانون مدنی جوهر و ذات شرکت مدنی، ایجاد اشاعه در مالکیت است و لاغیر. مضافاً تصرفات شریک در شرکت مدنی تابع مالکیت مشاع است، فلذا هر یک از شرکاء هر زمان که بخواهد می‌تواند عین سهم‌الشرکه یا منافع به دست آمده از آن را به غیر منتقل و از شرکت خارج شود. این جواز مبتنی بر منطوق ماده ۵۸۳ قانون مدنی است. در نتیجه شرکت مدنی ماهیتاً جایز است مگر آنکه مطابق ماده ۵۸۶، ضمن عقد لازمی اختیار فسخ از طرفین سلب شود که در این صورت فسخ آن قبل از انقضای مدت بلااثر است." (حسینی تهرانی، ۱۵۹) با این وجود "در تصرفات مادی هیچ‌یک از شرکاء نمی‌توانند بدون اذن سایرین در مال مشاع تصرف فیزیکی کنند، مگر اینکه متصرف ماذون در تصرف باشد." (همو، ۱۵۲ و ۱۵۳) علاوه بر این در شرکت مدنی بر خلاف شرکت‌های تجاری اداره شرکت بایستی با اتفاق نظر تمامی شرکاء بوده و مقنن اصل اراده جمعی را نافذ می‌داند. چنانکه در ماده ۵۷۶ طرز اداره اموال شرکت را تابع شرایط مقرر بین شرکاء دانسته است. مرحوم دکتر امامی، شرکت را به معنای اشاعه و اذن در اداره بکار برده و شرکت عقدی را به معنای شرکت اموال به کار برده‌اند، که نه اطراد (مانعیت) دارد و نه انعکاس (جامعیت)؛ زیرا از یک سو شرکت ممکن است بر غیر اموال شامل شود، و از سوی دیگر شرکت اموال می‌تواند به سببی جز عقد، همچون ارث و مزج پدید

آید." (امامی، ۲/۲۱۴) در نتیجه زندگی اشاعه موقتی و صرفاً شکلی از مالکیت است و ضرورت رضایت تمامی مالکان مشاع برای تصمیم‌گیری، اشاعه را دچار مشکل می‌کند و هیچ محدودیتی نیز بر قاعده اجماع وجود ندارد. با این وجود در نظر حقوقدانان "شرکت به معنای عقدی مستمر، ماهیت و چهره‌ای دوگانه دارد، چرا که اختلاطی است از یک مبادله، که از یک سو سبب اشاعه در مالکیت و از سوی دیگر باعث اعطای نیابت در تصرف می‌شود. از همین رو، قسمتی که حالت معاوضه و مغاینه ای دارد و باعث ایجاد اشاعه در مالکیت می‌شود، لازم است و از سوی دیگر چهره ای از عقد شرکت که اثر آن اذن هر یک از شرکاء به شریک دیگر در تصرف مال مشاع موضوع شرکت است، جایز قلمداد می‌شود. از این رو با فوت و جنون هر یک از شرکاء این عقد در قسمت مربوط به اعطای اذن در تصرف منفسخ می‌شود و هر زمان هر یک از شرکاء بخواهد می‌تواند از اذن خود رجوع نماید، بدون آن که حالت اشاعه ایجاد شده از بین برود. امری که دکتربین حقوقی و رویه قضایی نیز امروزه بر آن تمایل بیشتری دارد و علیرغم اجمال و ابهام قانون مدنی، از مواد ۵۸۶، ۵۸۷ و ۵۸۸ این قانون قابل برداشت است." (جلیلی، فصیحی‌زاده، طباطبایی، ۵۵ و ۵۶)

بنابراین، در خصوص ماهیت حقوقی گروه اقتصادی دو فرض قابل تصور است. یک فرض اینکه گروه را یک شرکت مدنی بدانیم که با رعایت ضوابط و شرایط ماده ۵۷۱ قانون مدنی ایجاد و مسئولیت شرکاء نسبت به دیون گروه متناسب با سهم‌الشرکه هر شریک است، در حالی که برخلاف قانون مدنی حسب تبصره ۱ ماده ۲۴ هر یک از شرکاء در مقابل تمامی دیون گروه اصولاً مسئولیت تضامنی خواهند داشت. در عین حال اگر شرکت مدنی در ضمن عقد لازمی مقرر نشده باشد، هر یک از شرکاء به تجویز ماده ۵۸۳ هر وقت بخواهد می‌تواند از آن رجوع کند که مبین تزامم بارز دو قانون است؛ مگر اینکه قائل شویم حکم ماده ۵۸۳ صرفاً ناظر بر شرکتهای سرمایه است که موضوع قانون‌گذاری مدنی قرار گرفته و موضوع این ماده از شرکتهای اشخاص و سایر مشارکتهای موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی (و از جمله گروه اقتصادی) منصرف است؛ در نتیجه نمی‌توان گروه اقتصادی را یک شرکت مدنی تمام عیار محسوب کرد.

فرض دیگر اینکه گروه مشمول قرارداد موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی و عقدی لازم محسوب شود که در این صورت طبق اصول کلی حقوقی گروه مصداق شرکت معاوضی است و نه اذنی. ماهیت تملیکی قرارداد گروه نیز ایجاب می‌کند که شرکاء پایبند به

قرارداد خود باشند و نتوانند هر گاه که خواستند قرارداد را بر هم زده و آورده خویش را مسترد نمایند. در هر حال رویکرد مقنن در ماده ۲۴ مبنی بر تبعیت قهری گروه از قواعد شرکت مدنی به شدت قابل تامل است؛ چرا که در مقام اجرا متضمن بروز مشکلات متعددی خواهد بود.

۲) فقدان شخصیت حقوقی مستقل گروه و آثار آن

به موجب ماده ۲۴، تشکیل گروه اقتصادی پس از ثبت در مرجع ثبت شرکتها در قالب شرکت مدنی و ضوابط آن مجاز است، در نتیجه در مشارکت‌های قراردادی (گروه) همکاری اطراف مشارکت منجر به شکل گیری شخصیت حقوقی جدیدی نمی‌شود. هر چند در توجیه این اقدام مقنن برخی معتقدند "وجود شخصیت حقوقی می‌تواند همچون حائلی دسترسی به شرکاء را دشوار و مراجعه مستقیم به ایشان را به انحلال گروه متوقف نماید." (حجتی کرمانی، بهمنی، ۲۷۴) لکن چنین استنتاج و توجیهی مورد تأیید دیگر حقوقدانان واقع نشده است. بدیهی است ماده ۱۰۳ لایحه پیشنهادی قانون تجارت سال ۱۳۸۴ چنین بیان می‌داشت: "گروه اقتصادی باید در دفتر ثبت تجاری ثبت شود و از تاریخ ثبت از شخصیت حقوقی برخوردار خواهد شد" با این وجود ماده ۲۴ چنین مقرره ای ندارد.

در فرانسه از آنجایی که شرکت‌های تجاری تحت حکومت قواعد سخت و انعطاف ناپذیری قرار داشتند، تاحدی که گویی در نظر قانونگذار فرانسوی یک گزاره شرطی واژه شخص حقوقی را به واژه مقررات آمره وصل می‌کرد، لذا "در این شرایط قالب گروه اقتصادی با منافع مشترک تصویب و در این کشور نیز گروه اقتصادی پس از ثبت واجد شخصیت حقوقی مستقل از اعضا می‌باشد." (۱۱، Gouyon yves) در ایران تأکید بر تشکیل گروه در قالب شرکت مدنی متبادر کننده احکام قانون مدنی در باب عقد شرکت است که این احکام اساساً برای گروه مفید و مکفی نیست. "برخی نیز هیچ مناسبتی با آرمان‌ها و کارکردهای گروه ندارد. مندرجات تبصره‌های ذیل ماده نیز که ظاهراً به قصد ایضاح و رفع نواقص اصل ماده تعبیه شده‌اند نه تنها موفق نبوده‌اند، بلکه نارسایی در تعبیر و عبارات، موجب ابهامات بیشتر و حتی تعارضاتی با مبانی حقوقی شده و هدف مقدس مقنن را ابتر گذاشته است." (علومی یزدی، ۸۳) پس آنچه مسلم است در حال حاضر برخلاف دیگر اشخاص حقوقی گروه نمی‌تواند نام، اقامتگاه، تابعیت و دارایی

مستقل از شرکاء داشته باشد، زیرا این موارد از آثار شناسایی شخصیت حقوقی است." (عیسای تفرشی، کبیری شاه‌آباد، ۱۷۰) ضمن اینکه "در قانون مدنی تشکیلات خاصی برای اداره مال مشترک معین نشده است." (کاتوزیان، حقوق مدنی، مشارکتها- صلح، ۳۲) از سوی دیگر با وجود اختیارات موسع شرکای شرکت (مدنی) در قانون مدنی، مقنن به موجب تبصره ۱ ماده ۲۴ مقرر داشته است که "تغییر در حیطه اختیارات مدیران در قبال اشخاص ثالث قابل استناد نیست و اعضای گروه به طور تضامنی مسئول پرداخت دیون گروه از اموال شخصی خود می‌باشند، مگر اینکه با اشخاص ثالث طرف قرارداد به ترتیب دیگری توافق شده باشد" که مراتب مبین تزامم و حتی تعارض دو قانون در خصوص اختیارات اعضاء و نیز مدیران نهاد گروه می‌باشد.

وانگهی با وصف عدم برخورداری گروه از شخصیت حقوقی مستقل معلوم نیست ثبت گروه تحت چه عنوان و به چه توجیهی آنهم در مرجع ثبت شرکتها که مختص شرکت‌های تجاری است می‌بایستی به عمل آید؟ در این راستا برخی معتقدند "الزام بر ثبت گروه سبب شفافیت در فضای کسب و کار کشور و افزایش نظارت دولت می‌شود، لکن ثبت گروه در مرجع ثبت شرکتها به معنای صحت و سقم گروه نیست، بلکه ثمره آن صرفاً اثبات وقوع عقد شرکت است و خصوصیت دیگری ندارد." (رستم‌زاده، ۴۱) این در حالی است که در فرض احراز شخصیت، علاوه بر تسهیل کار گروه این امر به نفع اشخاص ثالث نیز بود، زیرا موجب می‌شد که اینان برای وصول مطالبات خود به جای مراجعه به تک‌تک شرکاء، به شخصیت حقوقی گروه و سرمایه آن نیز تکیه کنند. مضافاً لزومی به اتفاق آرا برای اداره امور گروه نبوده و انتقال سهم‌الشرکه نیز به سهولت و سادگی قابل انجام بود. ضمن اینکه در حال حاضر طلبکاران حق طرح و اقامه دعوی علیه گروه و توقیف اموال گروه را نیز ندارند. ممکن است ادعا شود توجیه قانونگذار از عدم احراز و شناسایی شخصیت مستقل گروه در ماده ۲۴ در راستای تضمین حقوق اشخاص ثالث و طرفهای قراردادی گروه و نیز برخورداری گروه از چارچوبی منعطف و قابل انطباق با خواسته های اعضاء و عدم لزوم رعایت تشریفات اداری برای تشکیل یا اختتام گروه بوده است. معهداً این رویکرد بروز تداخل در حقوق و تکالیف اعضاء و فقدان استقلال مالی گروه را در پی خواهد داشت. همچنین در فرض مدیونیت گروه، ضروری است تمامی اعضای گروه از سوی خواهان مورد شناسایی قرار گرفته و جملگی طرف دعوی واقع شوند در حالی که شناسایی هویت و اقامتگاه تمامی اعضای گروه از سوی

اشخاص ثالث به سادگی امکان پذیر نیست. همچنین "ممکن است برخی از شرکاء، مال غیر منقولی را که به نام خود به ثبت رسیده به عنوان آورده موضوع شرکت (مدنی) قرار دهند. در این صورت شیوه انتقال این ملک به شرکت بحث انگیز است، چراکه انتقال ملک به شرکت مدنی امکان پذیر نیست." (کاشانی، ۸۳) از سوی دیگر "در مورد مطالبات شرکت مدنی قواعد طلب مشترک حاکم و دارای ماهیت حقوقی مال مشاع است فلذا هر بخشی از طلب متعلق به همه شریکان است." (کاتوزیان، حقوق مدنی، اموال و مالکیت، ۲۰۷)

بنابراین از آنجائی که محدودیت‌های ناشی از فقدان شخصیت مستقل گروه بسیار متنوع و متعدد می‌باشد، این رویکرد مقنن از معایب بارز نص مصوب محسوب می‌شود. در نتیجه "مشارکت‌های فاقد شخصیت (و از جمله نهاد گروه) صرفاً در معاملات و پروژه های کوتاه مدت که در آنها معمولاً به اموال و دارایی مستقل از شرکاء و نیز ایجاد رابطه حقوقی با اشخاص ثالث نیاز نیست کاربرد داشته و فی الواقع صرفاً برای سازماندهی و امور داخلی اعضاء قابلیت بهره برداری دارد." (آریان کیا، معدولیت، ۸۲)

۳) تعدد موارد سکوت

از ملاحظه و بررسی ماده ۲۴ چنین برداشت می‌شود که هدف غایی مقنن، آزادی قراردادی اعضاء و انعطاف پذیری گروه در روابط شرکاء بوده است. با این وجود از آنجایی که این آزادی از حذف مقررات آمره و احاله انتظام امور به قرارداد اعضاء نشأت می‌گیرد، معلوم نیست مصادیق متعدد سکوت، نواقص و خلأهای ماده ۲۴ چگونه قابل رفع خواهد بود؟

علیهذا به جرأت می‌توان ادعا کرد یکی از جهات بارز عدم استقبال تجار و فعالان اقتصادی در استفاده از قالب حقوقی گروه، از زمان تصویب و قابلیت اجرای قانون گروه، ناکافی بودن مقررات و خاصه نواقص مترتب بر ماده ۲۴ بوده است. آنچه مسلم است هیئت وزیران نیز در مقام تصویب آئین نامه اجرایی موضوع تبصره ۴ ماده ۲۴، نمی‌تواند مبادرت به وضع مقررات جدید و توسعه دامنه شمول قانون و تعیین ضمانت اجرا اعم از حقوقی و یا کیفری کند؛ چرا که "صلاحیت قوه اجرایی در وضع قواعد، تابع و محدود به قوانین است و اصالت ندارد، پس هیئت وزیران نه حق وضع قاعده جدید - که از خصایص و اختیارات ویژه مجلس است - را دارد و نه می‌تواند، قواعدی را که مجلس وضع کرده است تغییر دهد." (کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، ۱۳)

ممکن است گفته شود در صورت سکوت، ناگزیر می‌توان به وحدت ملاک از مقررات

قانونی در باب شرکت‌های تجاری تمسک جست؛ در حالی که چنین رویکردی نیز در تباین واضح با ضوابط شرکت مدنی است، زیرا در شرکت‌های تجاری اصل بر حاکمیت مقررات و قواعد آمره قانونی است و آزادی افراد صرفاً تا اندازه‌ای که با حداقل‌های مقرر قانونی مطابقت داشته باشد، نافذ خواهد بود. علاوه بر این، قانونگذار مصادیق شمول مقررات شرکت‌های تجاری و قانون تجارت به گروه را در تبصره ۲ ماده ۲۴ احصاء کرده است، در نتیجه جواز مراجعه به دیگر مقررات حاکم بر شرکت‌های تجاری نیز نسبت به گروه فاقد وجهت قانونی است. از سوی دیگر به لحاظ خلاف قاعده بودن شمول مقررات شرکت‌های تجاری به شرکت مدنی، باید به قدر متیقن اکتفاء و از تفسیر موسع که مستلزم شمول حکم به غیر موارد منصوص است خودداری شود؛ زیرا با وصف این‌که قانونگذار در مقام بیان موضوع بوده و هیچ مانع و محدودیتی نیز در این زمینه نداشته است، صرفاً به بیان برخی موارد منصوص از شمول مقررات شرکت‌های تجاری به گروه اکتفا و مراتب را در ماده ۲۴ مصرحاً احصاء نموده است.

۴) قیود رعایت موازین اسلامی، اصل منع اضرار به غیر و منع انحصار

در خصوص عبارت شرطیه "رعایت موازین اسلامی، منع اضرار به غیر و منع انحصار" در تشکیل گروه به شرح مندرج در ماده (۲۴) و مقایسه آن با مودای مواد ۱۰۱ الی ۱۲۱ لایحه پیشنهادی قانون تجارت سال ۱۳۸۴ چنین استنتاج می‌شود که هیچ‌یک از قیود فوق در لایحه مزبور وجود خارجی نداشته و به دلایل نامعلوم در زمان تصویب ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم در این ماده اشاره و سپس در ماده ۲۴ قانون احکام دائمی نیز تکرار شده است. برخی معتقدند "رعایت موازین اسلامی و منع اضرار به غیر قیود مسلمی بوده که در صحت همه عقود و قراردادهای لازم‌الرعایه هستند. به علاوه پرهیز از انحصار نیز از مواد منصوص قانون نحوه اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است که باید در همه قراردادهای و توافقات رعایت شود، بنابراین از این حیث ماده ۲۴ فاقد اثر تجویزی است." (علوم یزدی، ۷۷)

الف) لزوم تشکیل گروه با رعایت موازین اسلامی

در باب رعایت موازین اسلامی، اصل چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد "کلیه قوانین و مقررات مدنی، مالی، اقتصادی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد." مضافاً

"در دیگر اصول قانون اساسی به عنوان پایه‌ای‌ترین سند حقوقی کشور حدود ده مرتبه در قالب ترکیب وصفی از مضمون مذکور استفاده شده است. گزینش این اصطلاح از سوی مقنن به نظر ناشی از شیاعی بوده که در فضای عمومی پیش از تدوین قانون اساسی وجود داشته و نمایندگان مجلس آگاهانه یا ناآگاهانه از آن متأثر بوده‌اند." (امینی پژوه، اسماعیلی، ۲ و ۴) در هر حال از آنجایی که مقنن تشکیل گروه را متشکل از اشخاص حقیقی و حقوقی (اعم از داخلی و خارجی) مجاز دانسته است، به نظر می‌رسد با تأکید بر لزوم تشکیل گروه با رعایت موازین اسلامی در نظر داشته است که از تشکیل گروه‌های اقتصادی که موضوع و یا کارکرد آنها مشخصاً با موازین اسلامی مابینت و یا تراحم دارد، ممانعت کند.

ب) منع اضرار به غیر، منع انحصار

در ایران موضوع عدم اضرار به غیر و نفی سوء استفاده از حق، در قانون اساسی تصریح و برابر اصل چهارم "هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد." در اصل چهارم و سوم نیز منع اضرار به غیر، از اصول اقتصاد اسلامی شناخته شده است.

آنچه در این راستا شایان اهمیت است اینکه پایه و اساس منع اضرار به غیر انگیزه و جهت آن است. بنابراین وقتی که جهت و انگیزه عامل حق، اضرار به دیگری باشد؛ واضح است که این اقدام مشروع نیست. "لکن تمیز اضرائی که لازمه زندگی اجتماعی و فعالیت اقتصادی است، از اضرار عمدی چنان وابسته به اوضاع و احوال و انعطاف پذیر است که به دشواری می‌توان برای آن قالب حقوقی و نوعی یافت و حقوق وسیله احراز قصد واقعی اشخاص را ندارد." (کاتوزیان، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، ۲۹۵ و ۳۰۰)

حال اگر فرض شود مؤسسين از تشکیل گروه، قصد اضرار و ایجاد خسارت به دیگری داشته باشند، این قصد به چه کیفیتی و چگونه پیشاپیش قابل احراز است؟ و آیا در صورت عدم ذکر عبارت «لزوم منع اضرار به غیر» در ماده ۲۴ آیا مؤسسين مجاز به تشکیل گروه‌هایی با قصد اضرار به غیر بوده‌اند؟ پاسخ قطعاً مثبت نخواهد بود؛ زیرا به جرأت می‌توان گفت درج چنین عبارتی در ماهیت امر تأثیری نخواهد داشت و قصد اضرار باید لزوماً هدف منحصر مؤسسين باشد. همچنین احراز و تشخیص قبلی چنین قصدی نیز اصولاً متعسر و حتی متعذر است؛ زیرا "حقوق نمی‌تواند به اغراض و دواعی متعرض شود. این مسئله امری خصوصی و مربوط به نفسانیات انسانها است و به اغراض

و انگیزه‌های اشخاص زمانی می‌تواند بار حقوقی داد که وارد در قصد مشترک شده باشد." (بهرامی احمدی، ۲۲۰).

در عین حال قانونگذار هرگز نمی‌خواهد اعمال حقوق، باعث اخلال در نظم جامعه شود. فلذا اگر "کسی حق خود را تنها به قصد اضرار افراد دیگر اعمال کند و انگیزه آن نامشروع باشد سوءاستفاده جویانه تلقی می‌شود." (همو، ۱۱۳) با این وجود عدم مشروعیتی که در ماده ۲۴ مورد لحوق حکم قرار گرفته، به نظر صرفاً ناظر بر "تعمد در اضرار به غیر" از سوی مؤسسين گروه است. وانگهی قصد اضرار چنانچه صریحاً ابراز نشده باشد، اثبات آن امری مشکل است. ضمن اینکه ذوق و سلیقه و تمایلات اجتماعی و سیاسی قاضی نیز تبعاتی شگرف در این قضاوت خواهد داشت. در عین حال "اختیار دادرسی یا ماموران اداری نسبت به بازرسی هدف اشخاص در اجرای حق زیانبار و خطرناک است؛ زیرا با این ترتیب حق به صورت یک تکنیک اجتماعی بازیچه دست دولت‌ها قرار گرفته و در روشن‌ترین مظاهر خود همیشه در معرض انکار قرار می‌گیرد." (کاتوزیان، اثبات و دلیل اثبات، ۴۶)

علیهذا، تصریح قانونگذار بر لزوم منع اضرار به غیر در مرحله تشکیل گروه، در مقام اجرا متضمن مشکلات عدیده‌ای خواهد بود. البته برخی در توجیه این حکم ماده ۲۴، بیان داشته‌اند "گروه می‌تواند در شاهراه‌های قدرت دولتی نفوذ کند و از طریق نامرئی دست دولت در برخورد با خود را ببندد؛ لذا ممکن است در مقام اختفاء بسیاری از عملکردهای خود را برای فرار از مالیات یا افشای اسرار حرفه‌ای از همه اشخاص مخفی نگه دارد یا با قبض و بسط هوشمند قیمت‌ها، بازار را با مخاطره همراه سازد؛ به گونه‌ای که در این ماده به دولت اجازه داده شده است، مانع تشکیل گروه انحصارطلب و مضر به غیر شود." (رستم‌زاده، ۴۲).

بدیهی است در فرض عدم وجود عبارت مذکور در ماده ۲۴، قاعده "لاضرر" بر همه اعمال حقوقی افراد جامعه حکومت داشته و ضامن برقراری عدالت اجتماعی و استقرار ثبات و امنیت اقتصادی خواهد بود؛ چرا که "قاعده لاضرر از مشهورترین و بنیادی‌ترین قواعد حقوق اسلامی است و بعید نیست که به همین دلیل بر سایر ادله از نص و اجماع و غیره مقدم باشد یا بر عموم و اطلاق ادله حکومت کند." (جعفری هرنندی، ۴۶۹) پایه دیگر این حاکمیت و تقدم این است که احکام شرعی بر مدار مصالح و مفاسد دور می‌زند و حکمی که مستلزم ضرر باشد گونه‌ای از مفسده است و اسلام مفسده را منهی و مردود می‌داند؛ لذا ضرورتی به درج قیود مزبور در ماده ۲۴ نبوده و زائد به نظر می‌رسند.

۵) فوت، حجر، ممنوعیت قانونی و ورشکستگی هریک از اشخاص حقیقی و انحلال و ورشکستگی عضو حقوقی گروه و آثار آن

تبصره ۳ ماده ۲۴ مقرر می‌دارد "فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی یکی از اشخاص حقیقی یا انحلال یا ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی موجب انحلال گروه می‌شود؛ مگر این که در قرارداد تشکیل گروه اقتصادی طور دیگری مقرر شده باشد." که از منطوق صدر این تبصره چنین برداشت می‌شود که مقنن زوال اهلیت هر یک از اعضاء را از موجبات انحلال گروه دانسته است. در نتیجه این فراز تبصره، منطبق با احکام حاکم بر شرکت مدنی و مبانی حقوقی است؛ زیرا "عقد شرکت اختلاطی است از یک مبادله که سبب اشاعه در مالکیت و اعطای نیابت در تصرف می‌شود. فوت و حجر یکی از شرکاء نیز عقد را منحل می‌سازد." (علوم یزدی، ۸۱؛ آریان‌کیا، معدولیت، ۱۴۱) معهداً آنچه شایان تعجب و تأمل است این که قسمت اخیر تبصره مزبور مقرر می‌دارد "مگر اینکه در قرارداد تشکیل گروه اقتصادی طور دیگری مقرر شده باشد." که از این عبارت چنین استنباط می‌شود که اعضای گروه می‌توانند در هنگام انعقاد قرارداد گروه در زمان حیات و اهلیت خود، حین‌العقد توافق و تراضی نمایند که زوال اهلیت اعضا در قرارداد گروه فاقد اثر خواهد بود. در حالیکه چنین مقرره‌ای قطعاً بر خلاف قواعد آمره و اصول مسلم حقوقی و قانونی است؛ زیرا علاوه بر این که ماده ۵۸۸ قانون مدنی ماهیت اذن را در عقد شرکت، یک نوع نمایندگی دانسته که به محض فوت و حجر این اذن زائل می‌شود. همچنین زوال اهلیت مستند به منطوق حکم واضح مواد ۹۵۶، ۹۵۸ و ۱۲۰۷ قانون مدنی از موجبات قهری صدور حکم حجر و محجوریت محسوب و این امر در مقررات ایران و نزد فقهای امامیه امری مسلم و مفروغ عنه است. در نتیجه "در فرضی که یکی از اعضای گروه فوت کند، به محض فوت تمامی اموال و حقوق مالی وی قهراً به ورثه منتقل می‌شود و اصولاً اذن مورث در این زمینه نسبت به ایام بعد از فوت خود موثر در مقام نخواهد بود؛ زیرا کسی نمی‌تواند اذن در تصرف در اموال دیگری (وراث) بدهد. علاوه بر این، اذن با فوت اذن دهنده زائل می‌شود؛ لذا مأذون نمی‌تواند به نمایندگی از اذن دهنده عمل کند." (امامی، ۱۳۶/۲) همین حکم در خصوص حجر نیز جاری است و در صورت جنون و یا سفیه شدن یکی از شرکای گروه، حق ایشان در تصرف اموال سلب می‌شود و اموال محجور به وسیله قیم اداره و اجازه وی را لازم خواهد داشت. علاوه بر این ورشکستگی و یا توقف احدی از اعضای حقیقی عضو گروه نیز

نسبت به امور مالی و تجاری، وی را در حکم حجر قرار می‌دهد و از آنجایی که اموال وی متعلق حق طلبکاران قرار می‌گیرد، لذا اذن سابق فرد ورشکسته در قرارداد گروه به تنهایی برای جواز تصرف در اموال وی کفایت نمی‌کند در نتیجه به جرأت باید گفت حکم فراز اخیر تبصره ۳ ماده ۲۴ به دلیل تعارض واضح با نصوص صریح و آمره قانونی و مبانی مسلم اشکال اساسی دارد و همچنان که برخی از نویسندگان بیان کرده‌اند "اگر قانون مدنی در مواردی مانند ماده ۶۷۹ در باب وکالت و ماده ۵۷۸ در عقد شرکت عقود جایز را با توافق مستقل و یا ضمن عقد خارج لازم غیر قابل گسستن با اراده طرفین نموده است، این توافق صرفاً حق فسخ از جانب یکی از طرفین را ساقط می‌کند؛ اما مبنای آن به هیچ وجه به منزله رویین تن شدن عقد در مقابل عوارض اهلیت مانند فوت، حجر و جنون نیست؛ لذا معلوم نیست منظور قانونگذار از عبارت اخیر تبصره ۳ ماده ۲۴ چه بوده است؟! (علوم یزدی، ۸۱)

آنچه مسلم است مقنن به دنبال فراهم آوردن امکان استمرار و عدم انحلال و توقف فعالیت گروه در صورت حدوث فوت، حجر و ورشکستگی یکی از شرکاء در اثنای مدت قرارداد بوده است؛ لکن به آثار قهری مترتب بر وقایع حیاتی یادشده در عمل توجهی نکرده است؛ زیرا به محض زائل شدن اهلیت هر یک از اعضاء، توافق قبلی شرکاء در قرارداد گروه نمی‌تواند کارساز و موثر باشد و صرفاً آنچه در قرارداد گروه می‌تواند پیش بینی و یا مورد توافق و تراضی بعدی اعضای گروه واقع شود، فراهم کردن امکان توافق با وراثت و یا قائم مقام عضوی است که اهلیت خود را از دست داده است. فلذا هرچند مقصود مقنن ایجاد شرایطی برای حفظ وادامه فعالیت گروه بوده است، اما بیان مناسبی را برای نیل به این مقصود انتخاب نکرده است. درحالی که مقنن می‌توانست برای این منظور، همچون ماده (۱۳۹) قانون تجارت، بقای گروه را موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی یا محجور کند. مؤید مراتب فوق اینکه اکثریت قضات دادگاه‌های حقوقی تهران نیز "فوت شریک را وفق ماده ۵۸۸ قانون مدنی از موجبات زوال اذن تلقی و تأکید کرده‌اند ورثه می‌توانند از شریک متصرف عواید شرکت را نسبت به زمان بعد از فوت مورث مطالبه نمایند. و طبق نظر اقلیت همان قضات، حسب مواد ۵۸۱، ۵۸۹ و ۵۹۴ قانون مدنی با فوت شریک عقد شرکت منفسخ و جواز تصرف در مال مشترک منتفی می‌شود؛ لذا ورثه می‌توانند از متصرف اجرت المثل بخواهند." (نوبخت، ۳۲۶ و ۳۲۷)

نتیجه‌گیری

از جمله کارکردهای اقتصادی دولت‌های مدرن نهادسازی می‌باشد. طبیعتاً ایجاد نهادهای کارآمد از عوامل توسعه اقتصاد و گسترش سرمایه‌گذاری بوده که آن نیز به نوبه خود به رشد اقتصادی منجر خواهد شد. بر این اساس مقررات ناظر بر گروه اقتصادی یکی از ابزارهای مهمی است که در جهت ایجاد بسترهای مناسب سرمایه‌گذاری و مشارکت می‌تواند نقش جدی ایفا نماید. گروه اقتصادی مبتنی بر قراردادی دو یا چند جانبه است که در قالب تعریف واحدی نمی‌گنجد؛ لکن طبق الزام قانونگذار فی الحال می‌بایستی در قالب شرکت مدنی ایجاد شود. ماده ۵۸۲ قانون مدنی که نحوه اداره و تصرف اموال مشترک را تابع نظر جمع شرکاء دانسته، نمونه‌ای از قواعد حقوقی‌ای است که متضمن پیامدهای منفی اجتماعی است. در حالی که حقوق شرکت‌های تجاری با تبعیت از نظام اکثریت آراء، توانسته از این بن‌بست در تصمیم‌گیری عبور نماید. حسب ماده ۲۴ تشکیل گروه برای یک دوره محدود و بر اساس قراردادی کتبی، مجاز است. بنابراین قانونگذار بر لزوم پایبندی اعضا بر تعهدات خود در مدت مقرر در قرارداد تأکید و هیچ یک خودسرانه نمی‌تواند از مشارکت گروه کناره‌گیری کند؛ در نتیجه چنین حکمی انطباقی با مطلق اختیارات شرکای شرکت مدنی در مواد ۵۸۳، ۵۸۶ و ۵۸۹ قانون مدنی در جواز خروج از شرکت و درخواست تقسیم اموال مشترک ندارد. در قانون مدنی مبتنی بر فقه امامیه و نص ماده ۵۷۱ ارائه سرمایه برای مزج و ایجاد شرکت ضروری است؛ لکن از ماده ۲۴ چنین الزامی مستفاد نمی‌شود. مضافاً در عقود حقوق مدنی، اراده ایجاد ثروت به‌طور مشترک وجود ندارد، در حالی که در گروه اراده اصلی بر ازدیاد سرمایه است.

علیهذا، آنچه قانونگذار ایران را به پرداختن هر چند موجز به تبیین احکام این نوع مشارکت واداشته، آن است که در نظر مقنن ظرفیت‌های قانونی موجود پاسخگوی ایجاد و اداره این قبیل مشارکت‌ها نبوده و نظام حقوقی کشور در این باب با خلأها و نواقصی روبرو بوده است. مع الوصف اعمال و افعال مقنن که به‌صورت قوانین و مقررات جلوه‌گر می‌شود، لزوماً باید هدفمند باشد. بی‌تردید تصویب مقررات ناظر بر نهادی نوپا در صورتی قابل توجیه خواهد بود که بتواند گامی هماهنگ با اصول و مبانی کلی حقوقی برداشته باشد. در حالی که در حال حاضر چنین نیست؛ زیرا در ماده ۲۴ حداقل شرایط لازم جهت تشکیل، فعالیت و انحلال گروه تبیین نشده و صرفاً به بیان برخی شرایط و احکام لازم اکتفا شده است. در این ماده امور گروه عمدتاً به قرارداد بین اعضاء احاله شده

است که این خلاء خود می‌تواند موجب ناکارآمدی شود؛ زیرا راه حل خروج از ابهام پیش‌بینی نشده است. مقنن موارد شمول و تسری مقررات شرکت‌های تجاری به گروه اقتصادی را در تبصره یک ماده ۲۴ منصوص نموده است. در نتیجه در موارد سکوت، جواز مراجعه به سایر مقررات شرکت‌های تجاری مواجه با تعذر قانونی است. عدم برخورداری گروه از شخصیت حقوقی نیز متضمن عدم استقبال تامین کنندگان مالی و تجار جهت شراکت با گروه بدلیل نامحدود بودن مسئولیت شرکاء خواهد بود؛ در حالی که در فرض بهره‌مندی گروه از شخصیت این امر فی نفسه متضمن مرتفع شدن بخش قابل توجهی از ایرادات و نواقص قانون مصوب و کاهش ریسک و ایجاد یک سازماندهی منسجم می‌شد. همچنین عدم شفافیت قالب موجود گروه برای شرکای خارجی و نحوه مشارکت آنها و نیز اموری همچون بیمه کارکنان، لزوم اخذ پروانه اشتغال و یا عدم آن، چگونگی اداره و شیوه تقسیم سود و زیان، وضعیت افتتاح حساب بانکی و نگهداری آن، تملک اموال منقول و غیر منقول، ضوابط حاکم بر انحلال، مسکوت بودن موضوع کسب منفعت توسط خود گروه؛ ابهام در حیطه فعالیت و نحوه مدیریت گروه، شیوه مراجعه به شرکاء در صورت عدم کفایت دارایی گروه، وضعیت انتقال سرمایه و حقوق اعضا به شکل سهام و اوراق قابل انتقال و فقدان استقلال مالی و حقوقی از نقاط ضعف بارز قانون موجود محسوب می‌شود.

همچنین، حکم اخیر مقرر در تبصره ۳ ماده ۲۴ مبنی بر جواز اتخاذ تصمیم شرکاء در قرارداد گروه بابت ایام پس از زوال اهلیت نیز در تباین واضح با مقررات آمره بوده و بالمال تبعات منفی زیادی را موجب خواهد شد.

علی‌ایحال هرچند با اجرایی شدن قانون، «گروه اقتصادی» به نظام حقوقی ایران معرفی شده و آزادی قراردادی و انعطاف‌پذیری و نیز ممانعت از تحمیل مالیات مضاعف به گروه و اعضای آن از نقاط قوت نص موجود محسوب و گروه می‌تواند در موضوعات مدنی و تجاری به فعالیت بپردازد، لیکن کارآمدی و پذیرش چنین نهادی بنیادین منوط به تبیین احکام تفصیلی و بسترسازی مناسب آن است. لذا بدون تردید ضروری است لایحه جامع و متناسبی که متضمن تعیین تکلیف نسبت به ایرادات و خلأهای تفصیلی و متعدد اشاره شده در بالا باشد، از سوی مراجع ذیصلاح تصویب و در عمل نواقص متعدد و خلأهای مقرر موجود به نحو بایسته‌ای مرتفع و اهداف عالی تسهیل و گسترش مشارکت‌های تجاری تامین شود.

فهرست منابع

۱. آریان کیا رضا؛ معدولیت، احسان، نظام حقوقی قراردادهای مشارکت z۷ در عرصه صنعت و تجارت داخلی و بین‌المللی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴.
۲. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲.
۳. امینی پژوه حسین، اسماعیلی محسن "معناشناسی برخی از هنجارهای اسلامی در قانون اساسی با محوریت مفهوم موازین اسلامی، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۱۳۹۴، شماره ۱۱.
۴. بهرامی احمدی حمید، سوءاستفاده از حق، مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۵.
۵. جلیلی مهدی، فصیحی‌زاده، علیرضا، طباطبایی، سیدمحمدصادق، "تحلیل فقهی مبانی لزوم یا جواز عقد شرکت از منظر فقه اسلامی با نگاهی به رویه قضایی ایران"، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، تهران، سال هشتم، ۱۳۹۸، شماره ۲۸.
۶. جعفری هرنودی، مهشید "بررسی دامپینگ و مقابله با آن در نظام حقوقی اسلام و ایران"، مجله پژوهش‌های فقهی، ۱۳۹۴، (دوره ۱۱) شماره ۳.
۷. حجتی کرمانی، روح الامین، بهمنی، محمدعلی، "شناسایی و پذیرش جوینت ونچر قراردادی و قرارداد عملیات مشترک نفتی در ایران" فصلنامه تحقیقات حقوقی، تهران، ۱۳۹۸، شماره ۹۲.
۸. حقانی، سعید، گروه منفعت اقتصادی، ماهیت و ساختار چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۱.
۹. حسینی تهرانی، سیدمرتضی، "شرکت و مفاهیم آن و مختصات شرکت مدنی"، فصلنامه حق، تهران دفتر هفتم، ۱۳۶۵.
۱۰. حلی نجم الدین جعفر ابن حسن، (محقق حلی)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۱ و ۲، چاپ چهارم، قم، انتشارات امیر، ۱۳۷۳.
۱۱. خزاعی، حسین، حقوق تجارت بین‌الملل، مشارکت تجاری، جلد ششم، تهران، چاپ دوم، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.
۱۲. رستم‌زاده، قاسم علی، "بررسی ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه گروه اقتصادی با منافع مشترک"، ماهنامه قضاوت، تهران، شماره ۷۴، ۱۳۹۰.
۱۳. رهایی، مجید؛ حسینی مقدم، سیدحسن؛ فلاح خاریکی مهدی، "تبعات منفی فقدان شخصیت حقوقی در گروه منفعت اقتصادی"، فصلنامه تحقیقات حقوقی، تهران، ۱۳۹۷، شماره ۹۴.
۱۴. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد اول، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۱۵. سیدی آرنای، سیدعباس "اختلاط مفهوم اشاعه و شرکت مدنی در قانون مدنی ایران و فرانسه"، نشریه تحقیقات حقوقی، تهران، ۱۳۹۳، شماره ۶۶.
۱۶. شهیدی، مهدی، مجموعه مقالات حقوقی، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۵.
۱۷. طباطبایی حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، جلد ۱۴، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
۱۸. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، العروة الوثقی، جلد دوم، چاپ دوم، قم، انتشارات دارالتفسیر، ۱۳۷۶ق.

۱۹. علومی یزدی، حمیدرضا، "چالشهای حقوقی تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک"، مجله پژوهش حقوق خصوصی، تهران، ۱۳۹۲، شماره ۴.
۲۰. عیسیایی تفرشی، محمد؛ کبیری شاه‌آباد، حمید، "تحلیل حقوقی ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه، شرایط تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک"، مجله پژوهشهای حقوق تطبیقی، تهران، ۱۳۹۳، (دوره ۱۸) شماره ۲.
۲۱. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال - کلیات قراردادها، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
۲۲. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات مدرس (به‌نشر)، ۱۳۶۹.
۲۳. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، الزامهای ناشی از قرارداد، ضمان قهری، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۲۴. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، مشارکتها - صلح، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶.
۲۵. کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، چاپ نهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۵.
۲۶. کاشانی محمود، حقوق مدنی، قراردادهای ویژه، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۴.
۲۷. موسوی اردبیلی، سید عبد‌الکریم، فقه‌الشرکه علی نهج الفقه و القانون، قم، منشورات مکتب امیر المومنین. دارالعلم مفید، ۱۴۱۴ق.
۲۸. مکی‌العاملی، جمال‌الدین، اللمعه‌الدمشقیه، جلد اول، چاپ ششم، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۷۶.
۲۹. نوبخت یوسف، اندیشه‌های قضایی، چاپ سوم، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.